

گزارش سالانه حقوق بشر

ایران و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

سال میلادی ۲۰۲۰

AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین الملل یک جنبش جهانی با عضویت بیش از

هفت میلیون نفر است و اعضای آن برای تحقق جهانی

مبارزه می کنند که همگان در آن از حقوق بشر برخوردار باشند.

دیدگاه ما این است که همگان باید از تمام حقوق

تصریح شده در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»

و سایر موازین بین المللی حقوق بشر برخوردار باشند.

ما بدون وابستگی به هر دولت یا هر گونه ایدئولوژی سیاسی

و فارغ از هر گونه منافع اقتصادی یا گرایش های مذهبی

عمل می کنیم و هزینه های ما عمدتاً از طریق کمک های مالی

اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین می شود.

به استثنای مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیر تجاری، بدون اشتقاق، بین المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید:
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode>

اگر بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی گیرد.

این گزارش در سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰) توسط عفو بین الملل منتشر شده است.

فهرست

پیش‌گفتار	۴
۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	۵
۱.۱ حق سلامت	۶
۱.۲ آزادی بیان	۶
۱.۳ مدافعان حقوق بشر و آزادی تشکل‌ها	۷
۱.۴ اعتراضات و استفاده غیرقانونی از قوای قهریه	۸
۱.۵ شرایط بازداشت و شکنجه	۹
۱.۶ مصونیت از مجازات و دستیابی به عدالت	۱۰
۱.۷ نقض قوانین بین‌الملل در جریان منازعات مسلحانه	۱۱
۱.۸ حقوق پناهندگان، پناهجویان، مهاجران و آوارگان داخلی	۱۲
۱.۹ حقوق کارگران	۱۳
۱.۱۰ حقوق زنان و کودکان دختر	۱۴
۱.۱۱ حقوق افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس‌جندر و بیناجنسی	۱۴
۲. ایران	۱۶
۲.۱ پس‌زمینه	۱۶
۲.۲ آزادی بیان، تشکلات و تجمعات	۱۶
۲.۳ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها	۱۸
۲.۴ حق سلامت زندانیان	۱۸
۲.۵ ناپدیدسازی‌های قهری	۱۹

- ۲.۶ محاکمه‌های غیرمنصفانه..... ۱۹
- ۲.۷ تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران..... ۲۰
- ۲.۸ تبعیض علیه اقلیت‌های اتنیکی..... ۲۰
- ۲.۹ آزادی عقیده و مذهب..... ۲۱
- ۲.۱۰ اعدام..... ۲۲
- ۲.۱۱ مصونیت مسئولان نقض حقوق بشر از مجازات..... ۲۲

پیش‌گفتار

گزارش پیش‌رو ترجمه فارسی بخش مرور اجمالی وضعیت حقوق بشر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و بخش ایران در گزارش جهانی سال ۲۰۲۰ سازمان عفو بین‌الملل است. نسخه اصلی گزارش جهانی، که به زبان انگلیسی تهیه شده است، نمایی از وضعیت حقوق بشر در ۱۴۹ کشور جهان ارائه می‌دهد و بر مبنای موضوعات مختلف حقوق بشری دسته‌بندی شده است.

۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

دولت‌ها در سراسر منطقه در پاسخ به بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ وضعیت اضطراری اعلام کرده یا قوانینی برای اعمال محدودیت‌های نابه‌جا بر آزادی بیان تصویب نمودند. افراد به دلیل انتقاد از واکنش حکومت‌ها به این بیماری همه‌گیر تحت آزار و اذیت و پیگرد قانونی قرار گرفتند. کارکنان بخش بهداشت نسبت به فقدان حفاظت لازم در محل کار، از جمله ناکافی بودن تجهیزات حفاظتی و میزان دسترسی به تست کووید اعتراض داشتند، اما به دلیل ابراز نگرانی یا انتقادات در مورد شرایط کار و بهداشت عمومی با دستگیری و محاکمه کیفری روبرو شدند. نحوه پاسخ دولت‌های منطقه به این بیماری همه‌گیر، از جمله در امر توزیع واکسن، تبعیض‌آمیز بود.

مدافعان حقوق بشر در منطقه، علی‌رغم رویارویی با خطر بالای زندان، محاکمه کیفری، ممنوعیت سفر یا سایر انواع انتقام‌جویی، به فعالیت‌های خود ادامه دادند. نیروهای امنیتی از قوای قهریه کشنده یا کمترکشنده استفاده کردند که منجر به کشته یا زخمی شدن صدها تن از مردم شد؛ نیروهای امنیتی برای اعمال‌شان در این زمینه پاسخگو نشده و از مصونیت از مجازات برخوردار ماندند.

ازدحام بیش از حد و شرایط غیربهداشتی موجب شد زندانیان در این منطقه به طور ویژه در خطر ابتلا به کووید-۱۹ قرار بگیرند، وضعیتی که به دلیل مراقبت‌های بهداشتی ناکافی و شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در این زندان‌ها شدت افزونی یافت.

طرفین درگیری‌های مسلحانه مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد جدی نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه شدند. در میانه بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، مقامات دست به اعمال محدودیت در کمک‌های بشردوستانه زده و این چنین، وضعیت بد سیستم‌های بهداشتی را که از قبل تضعیف شده بودند، تشدید کردند. سایر قدرت‌های نظامی از طریق انتقال غیرقانونی اسلحه و پشتیبانی مستقیم نظامی از نظامیان به وقوع تخلفات و جرائم دامن زدند.

کشورهای کوچکتر همچنان میزبان بیش از ۳ میلیون پناهنده از سوریه بودند اما مجموعه‌ای از عوامل فشار بسیاری از سوری‌ها را ناچار به بازگشت به سوریه کرد. حملات نظامی و دیگر انواع جنگ و ناامنی در چندین کشور، صدها هزار نفر را از خانه‌های خود آواره کرد.

در اثر مشکلات ناشی از نتایج اقتصادی بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، کارگران در سراسر منطقه با اخراج ناگهانی یا کاهش دستمزد روبرو شدند. کارگران مهاجر به ویژه با توجه به این که در بسیاری از کشورها سیستم «کفالت» وضعیت اقامت آنها را به وضعیت استخدام‌شان پیوند می‌زد، بسیار آسیب پذیر بودند.

خشونت خانگی، به ویژه در دوره‌های قرنطینه سراسری در کشورها افزایش یافت. قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» ادامه داشتند و قاتلان از مجازات مصون ماندند.

مقامات حقوق افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس‌جندر و بیناجنسی را به شدت سرکوب کردند، آنها را به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض‌شان دستگیر نمودند و برخی از مردان را تحت معاینات مقعدی اجباری قرار دادند.

۱.۱ حق سلامت

کارکنان بخش بهداشت در تونس و مراکش در مخالفت با فقدان اقدامات محافظتی کافی برای ایشان، اعتراضاتی را ترتیب دادند و به ناکافی بودن لوازم محافظتی، دسترسی به آزمایشات و عدم توانایی تعیین و تشخیص کووید-۱۹ به عنوان یک بیماری شغلی اشاره کردند. در مصر و ایران، کارکنان بخش بهداشت به دلیل ابراز نگرانی یا سایر انتقادات از نحوه واکنش مقامات به بیماری همه‌گیر، با اقدامات انتقام‌جویانه از جمله دستگیری، تهدید و ارباب مواجه شدند. مقامات مصر دست کم نه کارمند را که در مورد ایمنی شرایط کار اظهار نگرانی کرده یا از نحوه برخورد دولت با بیماری همه‌گیر انتقاد کرده بودند، دستگیر نموده و آنها را برای انجام تحقیقات درباره اتهامات مربوط به «تروریسم» و «انتشار اخبار کذب» تحت بازداشت قرار دادند.

دولت سوریه نتوانست برای کارکنان بخش بهداشت، لوازم محافظتی مناسب یا دسترسی به آزمایش کووید-۱۹ را فراهم کند. در دسامبر، وزارت بهداشت اسرائیل واکسن‌های کووید-۱۹ را تنها میان شهروندان و ساکنان اسرائیل، از جمله فلسطینی‌های ساکن منطقه تحت اشغال شرق اورشلیم، توزیع نموده و به این صورت مرتکب تبعیض علیه حدود ۵ میلیون فلسطینی ساکن سایر مناطق تحت اشغال نظامی فلسطین در کرانه باختری و غزه شد، امری که نقض تعهدات این دولت به عنوان یک قدرت اشغالگر مبنی بر حصول اطمینان از اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با شیوع یک بیماری همه‌گیر محسوب می‌گردد. در لیبی جنوبی، مردمان توبو و توارگس در اثر تسلط گروه‌های مسلح مخالف بر بیمارستان‌های اصلی و نیز در مواردی به‌خاطر نداشتن مدارک شناسایی، در دسترسی به خدمات بهداشتی مناسب با مانع مواجه شدند.

مقامات باید اطمینان حاصل نمایند که خدمات پزشکی، شامل واکسن‌های پیش‌گیری، بدون تبعیض در دسترس همگان قرار بگیرند و از کارکنان بخش بهداشت محافظت کافی به عمل آید و نیز این که محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق افراد طی مبارزه با بیماری همه‌گیر، محدودیت‌هایی ضروری و متناسب باشند.

۱.۲ آزادی بیان

دولت‌های سراسر منطقه از بحران سلامتی کووید-۱۹ سوءاستفاده کردند تا سرکوب هر چه بیشتر آزادی بیان را توجیه نمایند، و به این شکل افراد را از حق خود برای دسترسی به اطلاعات در زمینه این ویروس یا بحث در مورد واکنش‌های دولتی به آن محروم ساختند. مقامات در الجزایر و مراکش با اعلام وضعیت اضطراری سلامتی، هرگونه اظهارات به حق درباره این بیماری همه‌گیر را جرم‌انگاری کردند. این قوانین بی‌درنگ اجرایی نیز شدند و مقامات بر اساس آن‌ها افراد را به بهانه «انتشار اخبار کذب» یا «ایجاد مانع» برای تصمیمات حکومتی تحت پیگرد قضایی قرار دادند. در بحرین، ایران، عمان و عربستان سعودی، مقامات قضایی کارگروه‌هایی را به پیگرد قضایی افراد به دلیل انتشار «شایعات» و «تشویش» افکار عمومی درباره بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، اختصاص دادند. مقامات در مصر و ایران خبرنگاران و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به‌خاطر به چالش کشیدن روایت رسمی از کووید-۱۹ مورد آزار و اذیت یا بازداشت قرار دادند. دستگیری‌های کوتاه‌مدت یا تحقیقات کیفری به‌خاطر انتقاد از نحوه برخورد مسئولان محلی یا دولتی با بحران کووید در اردن و تونس رخ داد.

در سراسر منطقه، مقامات با استفاده از مقررات کیفری به شدت کلی و سلیقه‌ای که «توهین» را جرم‌انگاری می‌کنند سعی کردند تا هرگونه انتقاد از مقامات در فضای مجازی را سرکوب کنند؛ امری که به صدور مجازات‌های سنگین

حبس منجر شد، از جمله علیه عبدالله مالکی، نویسنده در عربستان سعودی که به هفت سال زندان محکوم شد. روزنامه‌نگاران در مصر و لیبی به دلیل کار خود با محاکمه کیفری و زندان روبرو شدند و بعلاوه، در ایران، یک خبرنگار اعدام شد. مقامات لبنان ده‌ها خبرنگار یا فعال سیاسی اجتماعی را که در جنبش اعتراضی اکتبر ۲۰۱۹ شرکت کرده بودند مورد پیگرد و بازپرسی قرار دادند. در تونس، ۹ کاربر شبکه‌های اجتماعی به دلیل انتشار پست‌های فیس‌بوکی در انتقاد از مقامات محلی یا پلیس مورد تحقیقات کیفری و در مواردی، دوره‌های کوتاه بازداشت قرار گرفتند.

دولت‌های منطقه به سانسور اینترنت ادامه دادند؛ مقامات فلسطینی و مصری دسترسی به برخی وبسایت‌ها را مسدود ساختند و مقامات ایران شبکه‌های اجتماعی را از دسترس خارج کردند. دولت‌ها در منطقه همچنین برای تهیه تجهیزات گران‌قیمت نظارت دیجیتال مانند تجهیزات تولید شده توسط گروه NSO، که یک شرکت تجهیزات جاسوسی اسرائیلی است، به قصد هدف قرار دادن مدافعان حقوق بشر سرمایه‌گذاری کردند. تحقیقات سازمان عفو بین‌الملل نشان داد که چگونه مقامات مراکشی از نرم‌افزار معروف Pegasus ساخت گروه NSO برای هدف قرار دادن ماتی منجیب، یک فرد دانشگاهی و مدافع حقوق بشر و نیز عمر رادی، یک روزنامه‌نگار مستقل، استفاده کردند، به نحوی که هر دو این افراد دستگیر شده و با اتهامات ساختگی تحت محاکمه قرار گرفتند. در ماه ژوئیه، دادگاهی در تل‌آویو پرونده مطرح شده توسط عفو بین‌الملل و دیگران را که از وزارت دفاع اسرائیل خواسته بود مجوز صادرات امنیتی گروه NSO را لغو کند، رد کرد.

دولت‌ها باید تمامی زندانیان عقیدتی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد نمایند، کلیه تحقیقات و محاکمه‌های مربوط به بیان مسالمت‌آمیز در فضای مجازی یا غیرمجازی را متوقف سازند و به مسدود کردن وبسایت‌ها بدون رعایت ضوابط قانونی و منصفانه پایان دهند. مقامات همچنین بایست این را در اولویت کاری خود قرار دهند که قوانین سلیقه‌ای که «توهین» را جرم‌انگاری نموده، لغو کنند و افترا را جرم کیفری تلقی نکنند.

۱.۳ مدافعان حقوق بشر و آزادی تشکل‌ها

مدافعان حقوق بشر همچنان هزینه سنگینی برای شجاعت‌های خود پرداخت کردند. مقامات با شیوه‌های متعددی تلاش کردند این افراد را به‌خاطر فعالیت‌هایشان خاموش و مجازات کنند. مقامات اسرائیلی برای این مقصود از یورش‌های ناگهانی، آزار قضایی و ممنوعیت سفر علیه منتقدان اشغال نظامی استفاده کردند، از جمله علیه کارمند سازمان عفو بین‌الملل، لیث ابوزید، که ممنوعیت سفرش در ماه نوامبر توسط دادگاه منطقه اورشلیم تأیید شد. مقامات ایرانی به‌طور غیرقانونی مدافعان حقوق بشر را از کسب و کار محروم کرده یا دارایی‌های ایشان را مسدود کردند و علیه بستگان آن‌ها، از جمله فرزندان یا والدینشان، دست به انتقام‌جویی زدند. در مصر، نیروهای امنیتی سه تن از کارکنان گروه «ابتکار مصری برای دفاع از حقوق فردی» را دستگیر و در اقدامی نادر، پس از چند هفته و متعاقب یک کارزار جهانی آزادشان کردند. در همان زمان، مقامات قضایی به‌طور بی‌ضابطه حداقل پنج مدافع حقوق بشر را به مدت پنج سال به «فهرست تروریست‌ها» اضافه نمودند. تقریباً تمام مدافعان حقوق بشر عربستان سعودی در تبعید یا زندانی بودند. در ماه دسامبر، دادگاهی لجین ال‌هذلول، مدافع حقوق زنان را به پنج سال و هشت ماه زندان محکوم کرد.

مقامات الجزایری قوانینی برای اعمال محدودیت هرچه بیشتر بر آزادی تشکلات تصویب کردند و برای هرگونه دریافت پشتیبانی مالی خارجی برای «تضعیف منافع اساسی الجزایر» مجازات حبس ۱۴ ساله در نظر گرفتند. مقامات مراکشی ماتی منجیب، مدافع حقوق بشر را در ماه دسامبر و بر اساس اتهامات مربوط به دریافت منابع مالی خارجی دستگیر

کردند.

در ماه ژوئن، نبیل رجب، رئیس مرکز حقوق بشر بحرین که مرکزی قانونی نیست با قرار وثیقه و پس از گذراندن چهارسال حبس به خاطر یک پست توییتری که در آن کارنامه حقوق بشری حکومت بحرین را نقد کرده بود، آزاد شد.

دولت‌ها باید تعهدات خود مبنی بر محترم داشتن و تضمین حق دفاع از حقوق بشر را به رسمیت بشناسند به این طریق که اطمینان حاصل نمایند که مدافعان حقوق بشر قادر باشند بدون دستگیری‌ها و پیگردهای بی‌ضابطه، تهدیدها، حملات و آزار و اذیت‌ها به فعالیت خود ادامه دهند. مقامات باید حق آزادی تشکلات را محترم بدارند و هرگونه محدودیت بی‌ضابطه علیه سازمان‌های جامعه مدنی را لغو کنند.

۱.۴ اعتراضات و استفاده غیرقانونی از قوای قهریه

جنبش‌های اعتراضی در الجزیره، عراق و لبنان طی ماه‌های نخست سال همچنان مشغول سازماندهی خود بودند تا این که شیوع کووید-۱۹ منجر به ایجاد وقفه در این حرکات شد. معترضان به خاطر شرکت مسالمت‌آمیز در اعتراضات با دستگیری، ضرب و شتم و در مواردی پیگرد قضایی و محاکمه مواجه شدند. در عراق، نیروهای امنیتی فدرال هزاران معترض را طی ماه‌های نخست سال دستگیر کردند. مقامات دولت منطقه‌ای کردستان از کووید-۱۹ به عنوان توجیهی برای سرکوب اعتراضات در ماه می در شهر دوهوک استفاده کردند و معترضان را به «سوء استفاده از وسایل الکترونیک» برای سازماندهی اعتراضات متهم ساختند.

نیروهای امنیتی در سراسر منطقه از قوای قهریه از جمله اسلحه کمتر کشنده برای متفرق ساختن معترضان استفاده کردند. استفاده صورت گرفته از قوای قهریه غالباً غیرقانونی بوده است در اکثر موارد به این دلیل که غیرضروری یا بیش از حد و افراطی بوده است و سلاح‌ها به نحوی استفاده شده‌اند که غیر از کارایی اولیه شان بوده است. در عراق، نیروهای امنیتی از اسلحه گرم و نارنجک‌های گاز اشک آور ارتشی استفاده کردند به نحوی که ده‌ها تن از معترضان در بغداد، بصره، کربلا، دیالا، نجف و نصریه کشته شدند. در لبنان در ماه‌های ژانویه و فوریه، نیروهای امنیتی از گلوله‌های لاستیکی به قصد ایجاد صدمه بدنی استفاده کردند که منجر به زخمی شدن صدها تن از معترضان شد. در تونس، پلیس با استفاده غیرقانونی و غیرضروری از قوای قهریه اقدام به متفرق کردن اعتراضات مسالمت‌آمیز در فرمانداری جنوبی تاتاوینه کرد و به شکل بی‌محابا گاز اشک آور در مناطق مسکونی پرجمعیت شلیک کرد چنان که نارنجک‌ها داخل خانه‌ها و همچنین درون یک بیمارستان منفجر شدند. در ایران، نیروهای امنیتی به شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای نوک تیز، گلوله‌های لاستیکی و گاز اشک آور اقدام کردند و جمعیت کثیری از معترضان مسالمت‌آمیز را مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار دادند.

با شدت یافتن مشکلات اقتصادی، در میانه سال در برخی کشورها اعتراضات پراکنده‌ای علیه وخامت شرایط زندگی صورت گرفت. در لیبی، اعتراضات نادری در شرق و غرب کشور علیه فساد و پاسخگو نبودن گروه‌های مسلح و شبه‌نظامی رخ داد؛ واکنش این گروه‌ها ربودن معترضان و استفاده از سلاح گرم علیه آنان بود که به کشتن حداقل یک نفر منجر شد. در شهر سلیمانیه در شمال عراق، مقامات کردی برای سرکوب اعتراضات علیه عدم پرداخت حقوق و فساد از سلاح گرم استفاده کردند که منجر به چندین کشته شد. در مصر، اعتراضات نادری زمینه‌ساز دستگیری صدها تن از معترضان و عابران شد و آن‌ها برای بازپرسی در خصوص اتهامات «تروریسم» و اتهامات مربوط به اعتراضات

تحت بازداشت قرار گرفتند.

مقامات باید اطمینان حاصل نمایند که مأمورین انتظامی و امنیتی زیردستان از استانداردهای بین‌المللی ناظر بر استفاده از اسلحه گرم و سایر اسلحه‌های کمترکننده تبعیت می‌کنند و نیز باید هرگونه استفاده غیرقانونی از قوای قهریه را مورد تحقیقات و پیگرد قرار داده و مأموران مسئول را پاسخگو نمایند. دولت‌ها باید همواره حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز را به رسمیت بشناسند.

۱.۵ شرایط بازداشت و شکنجه

زندانیان در چندین کشور به علت ازدحام جمعیت، شرایط غیربهداشتی و تهویه ضعیف در شرایطی که معادل شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی محسوب می‌شود در معرض خطر شدید ابتلا به کووید-۱۹ قرار داشتند. ازدحام جمعیت در زندان‌ها به دلیل شیوه‌های بی‌ضابطه بازداشت، از جمله بازداشت طولانی مدت پیش از محاکمه بدون امکان اعتراض مؤثر، مانند وضعیت مصر، یا بازداشت اداری، مانند وضعیت اسرائیل و فلسطین، معمول بود. در مراکش، مقامات با زندانی کردن افراد صرفاً به دلیل نقض قواعد مربوط به بیماری همه‌گیر، جمعیت زندان‌ها را افزایش دادند.

ملاقات زندانیان طی دوره‌های قرنطینه سراسری و گاه پس از آن ممنوع شد، از جمله در بحرین و مصر. زندانیان از هیچ‌گونه شیوه‌های جایگزین برای تماس با خانواده‌هایشان بهره‌مند نشدند.

در مصر، مسئولان زندان در توزیع محصولات ضدعفونی و بهداشتی مناسب و وضع مقررات برای آزمایش افراد برای کووید یا قرنطینه کردن آن‌ها قصور کردند. این مسئولان در عین حال زندانیان را برای اظهار نگرانی در مورد شرایط ایمنی و سلامتی‌شان مجازات کردند. در ایران، مقامات زندان خود به فقدان منابع برای واکنش مناسب به بیماری همه‌گیر اعتراف داشتند، اما نیروهای امنیتی در واکنش به اعتراضات و آشوب‌های زندانیان خواهان محافظت بهتر در مقابل کووید-۱۹ از قوای قهریه غیرقانونی از جمله گلوله‌های جنگی، گلوله‌های ساچمه‌ای و گاز اشک‌آور استفاده کردند و این اقدامات منجر به کشته‌شدن چندین زندانی شد. مراقبت‌های پزشکی در زندان‌ها اغلب ناکافی بود و در مصر، ایران و عربستان سعودی، زندانیان با سابقه سیاسی گاه عمداً از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی محروم شدند تا مورد مجازات قرار گیرند. در مصر، حداقل ۳۵ تن از بازداشت‌شدگان در زندان یا مدت کوتاهی پس از آزادی و در نتیجه مشکلات پزشکی و در برخی موارد، عدم برخورداری از مراقبت‌های پزشکی کافی، جان باختند.

شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها تحت بازداشت دولتی در حداقل ۱۸ کشور ادامه داشت، به‌ویژه طی دوران بازجویی و به قصد «اعتراف»‌گیری. در سراسر منطقه، دادگاه‌ها متهمان را بر اساس مدارک حاصل از شکنجه محکوم کردند. مقامات زندان در بحرین، مصر، ایران و مراکش برای مجازات زندانیان بخاطر عقاید یا اظهارات سیاسی‌شان و نیز به منظور اخذ «اعتراف» از حبس انفرادی طولانی مدت و بدون محدوده مشخص استفاده کردند، امری که غالباً به خودی خود نوعی شکنجه به حساب می‌آید.

مقامات باید مراقبت‌های پزشکی و موضوع ازدحام جمعیت در زندان‌ها را در اولویت کاری خود قرار دهند. مقامات باید تمامی افرادی را که به نحو بی‌ضابطه بازداشت شده‌اند آزاد کرده و به منظور مقابله با شیوع کووید-۱۹ در زندان‌ها، همین‌طور کسانی که بدون ضرورت بازداشت شده‌اند، مثلاً بازداشت‌شدگان پیش از محاکمه، را آزاد کنند. مقامات قضایی باید در مورد وقوع شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در بازداشتگاه‌ها و همچنین در مورد رفتارهای تنبیهی بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در زندان‌ها، از جمله استفاده از حبس انفرادی طولانی‌مدت، تحقیقات انجام دهند و نیز به

استفاده و استناد به اظهارات تحت شکنجه در فرایندهای قضایی پایان بخشد.

۱.۶ مصونیت از مجازات و دستیابی به عدالت

در سراسر منطقه، نیروهای امنیتی برای اقدامات خود در نقض حقوق بشر، به ویژه برای استفاده غیرقانونی از قوای قهریه کشنده یا کمترکشنده و نیز شکنجه، از مصونیت از مجازات برخوردار شدند. مقامات ایران همچنان تعداد واقعی کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ را مخفی نگه داشته و علنا نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را برای ایفای نقش در سرکوب اعتراضات مورد تجلیل قرار دادند. در عراق، وعده‌های نخست وزیر تازه کشور مبنی بر اجرای تحقیقات در مورد کشتار صدها معترض و نیز جبران آسیب‌های وارده به خانواده‌های این کشته‌شدگان عملی نشد. در لبنان، مقامات قضایی در انجام تحقیقات در خصوص بیش از ۴۰ شکایت درباره وقوع شکنجه و استفاده غیرقانونی از اسلحه کمترکشنده که منجر به زخمی شدن صدها معترض در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ شده بود قصور کردند. در مصر، دادستان‌ها مرتباً در انجام تحقیقات موثر درباره شکایات مربوط به شکنجه و ناپدیدسازی‌های قهری قصور کردند، البته به استثنای موارد نادر مربوط به مرگ افراد در بازداشت در پرونده‌های غیرسیاسی، مانند مورد اسلام الاوسترالی که مغازه داری بود که دو روز بعد از دستگیری در ماه سپتامبر در بازداشت جان سپرد.

چندین گام در جهت دستیابی به پاسخ‌گویی که اغلب مسیری دشوار و طولانی‌مدت است در سطح بین‌المللی برداشته شد. در ماه ژوئن، شورای حقوق بشر سازمان ملل مأموریت حقیقت‌یابی را آغاز کرد تا موارد نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین‌المللی را که توسط تمامی طرفین درگیر در لیبی از زمان سال ۲۰۱۶ ارتکاب یافته بودند مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. در ماه دسامبر، هفت تن از کارشناسان ویژه سازمان ملل در نامه‌ای خطاب به دولت ایران اخطار دادند که تخلفات گذشته و در جریان مربوط به کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ می‌تواند مصداق جنایات علیه بشریت در نظر گرفته شود و در صورت ادامه این تخلفات، کارشناسان درخواست انجام تحقیقات بین‌المللی در این مورد را خواهند کرد.

ده سال پس از انقلاب در تونس، فرایند عدالت انتقالی در این کشور همچنان ادامه دارد، به صورتی که دولت سرانجام گزارش نهایی «کمیسیون کرامت و حقیقت» را منتشر کرده و یک صندوق مالی برای جبران خسارت از قربانیان تاسیس کرده است. ده‌ها مورد از دادرسی‌ها در مقابل دادگاه‌های کیفری مختص این امر در جریان بود اما نیروی‌های امنیتی و اتحادیه‌های پلیس به تحریم این فرایند ادامه دادند و در همان حال، افسران تحت اتهام نیز از ارائه پاسخ به احضاریه‌های دادگاه امتناع کردند.

در کشورهای منطقه شامل مصر، ایران، اسرائیل، مناطق اشغالی فلسطین، لیبی، عربستان سعودی و سوریه، دادگاه‌های استثنایی نظیر دادگاه‌های نظامی، انقلابی و امنیتی به نحو گسترده به کار گرفته شدند و محاکمه‌های تحت نظارت این دادگاه‌ها به شدت موازین دادرسی منصفانه را زیر پا گذاشتند. محاکمه‌های مقابل دادگاه‌های کیفری عمومی نیز اغلب به حد مشابهی معیوب بودند و محاکمه‌های جمعی نیز همچنان جریان داشت. در برخی کشورها، مخصوصاً در مصر، ایران، عراق و عربستان سعودی، مجازات اعدام در پی دادرسی‌های شدیداً غیرمنصفانه صادر و به اجرا گذاشته شد.

اسرائیل همچنان به ارتکاب تخلفات سازمان‌یافته، از جمله جرایم بین‌المللی، علیه فلسطینی‌ها ادامه داد و در این زمینه از مصونیت برخوردار بود. یکی از دادگاه‌های مقدماتی پیش از محاکمه در دیوان کیفری بین‌المللی همچنان

مشغول بررسی مسأله صلاحیت این دیوان برای رسیدگی به وضعیت مناطق اشغالی فلسطین بود؛ امری که ممکن است منجر به جواز یافتن دفتر دادستانی برای گشودن تحقیقات رسمی درباره جنایات بین‌المللی در این منطقه شود.

اسرائیل همچنان به اعمال تبعیض نهادینه شده علیه فلسطینی‌های تحت حکومتش در اسرائیل و نیز در مناطق تحت اشغال ادامه داد، به نحوی که حداقل ۹۹۶ فلسطینی را در اسرائیل و نیز در منطقه تحت اشغال کرانه باختری نابودساختن خانه‌هایشان مورد آوارگی اجباری قرار داد.

مقامات قضایی کشورها باید اعضای نیروهای امنیتی را به منظور حصول اطمینان از نظارت قضایی بر قوه مجریه درباره تخلفاتشان پاسخ‌گو نمایند و نیز موازین دادرسی منصفانه را بدون توسل به مجازات اعدام رعایت کنند.

۱.۷ نقض قوانین بین‌الملل در جریان منازعات مسلحانه

زندگی شهروندان در عراق، لیبی، سوریه و یمن همچنان در اثر سال‌ها درگیری مسلحانه در این مناطق دچار سختی بود، و نوسانات در سطح خشونت‌ها در این مناطق توسط طرف‌های حکومتی و غیرحکومتی منعکس‌کننده تغییر هم‌پیمانی‌ها در عرصه‌ی نبرد و منافع نیروهای نظامی خارجی بود.

طرف‌های متعدد در درگیری‌ها مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه شدند. برخی طرف‌ها دست به حملات مستقیم علیه غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی زدند. در لیبی، گروه‌های مسلح و شبه نظامیان به حمله به مراکز درمانی و ربودن کارکنان بخش بهداشت ادامه دادند. بیمارستان عمومی الخدرا در طرابلس، پایتخت لیبی، که توسط وزارت بهداشت برای درمان بیماران کووید-۱۹ تعیین شده بود، در ماه‌های آوریل و می مورد گلوله باران قرار گرفت. نیروهای دولتی سوریه و روسیه از طریق بمباران هوایی شهرهای استان‌های ادلب، حماه و حلب، مستقیماً به غیرنظامیان و ساختمان‌های غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها و مدارس حمله کردند.

تقریباً تمامی طرف‌های درگیر در منطقه، دست به حملاتی زدند که نظامیان و اهداف نظامی را از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی تمیز نمی‌دادند و این منجر به کشته و زخمی شدن غیرنظامیان در نتیجه حملات هوایی و گلوله باران مناطق مسکونی با توپ، خمپاره و راکت شد. انتقال اسلحه مورد استفاده برای ارتکاب جنایات جنگی و سایر تخلفات همچنان ادامه داشت. امارات متحده عربی به انتقال غیرقانونی سلاح و تجهیزات نظامی به شبه نظامیان در یمن ادامه داد. در لیبی، کشورهایایی از جمله روسیه، ترکیه و امارات متحده عربی با نقض تحریم تسلیحاتی سازمان ملل متحد همچنان به تأمین متحدان خود با اسلحه و تجهیزات نظامی از جمله مین‌های ضد نفر ممنوع شده ادامه دادند. ترکیه و امارات از طریق حملات هوایی مستقیم در این درگیری‌ها شرکت کردند و منجر به کشته شدن غیرنظامیان و افراد غیردخیل در درگیری‌ها شدند. در سوریه، روسیه با نقض قوانین بین‌المللی حمایت مستقیم خود را از مبارزات نظامی نیروهای دولتی حفظ کرد، در حالی که ترکیه از گروه‌های مسلحی که درگیر آدم‌ربایی و کشتار بودند، حمایت کرد.

برخی از نیروهای عامل در این منطقه همچنان به عنوان یک تاکتیک دسترسی به کمک‌های بشردوستانه را محدود و بدین ترتیب مشکلات اقتصادی اجتماعی را تشدید کردند و به ویژه دسترسی غیرنظامیان آسیب دیده به مراقبت‌های پزشکی را در طول بیماری همه گیر کووید-۱۹ تضعیف نمودند. در یمن، همه طرف‌های درگیر به طور خودسرانه کمک‌های بشردوستانه را محدود کردند و وضعیت نظام پزشکی پیشاپیش از پا افتاده آن کشور را، که فقط ۵۰٪ بیمارستان‌ها و سایر مراکز درمانی آن مشغول به کار بود وخیم‌تر ساختند. دولت سوریه همچنان مانع دسترسی نیازمندان به آژانس‌های بشردوستانه سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مستقر در دمشق شد، به طوری

که برای بسیاری از مردم، سازوکار تصویب شده توسط شورای امنیت سازمان ملل برای ارسال کمک از مرز ترکیه به عنوان تنها مجرای نجات باقی ماند، اگرچه تعداد نقاط عبور از مرز از چهار به دو کاهش یافت.

در غزه و جنوب اسرائیل، درگیری‌های مسلحانه پراکنده میان اسرائیل و گروه‌های مسلح فلسطینی وقوع یافتند. اسرائیل به محاصره غیرقانونی نوار غزه ادامه داد.

طرفین دخیل در درگیری‌های مسلحانه باید از قوانین بین‌المللی بشردوستانه پیروی کنند. به ویژه آنها باید به حملات مستقیم علیه غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی و حملاتی که بین نظامیان و غیرنظامیان تمایز قائل نمی‌شوند خاتمه دهند و از استفاده از سلاح‌های منفجره با اثرات گسترده در مناطق غیرنظامی خودداری کنند. قدرتهای نظامی باید انتقال تسلیحات را در صورت وجود احتمال بالای استفاده از این تسلیحات در تناقض با قوانین بین‌المللی متوقف نمایند و این احتمال در درگیری‌های جاری در منطقه بالا بوده است.

۱.۸ حقوق پناهندگان، پناهجویان، مهاجران و آوارگان داخلی

پناهندگان، مهاجران و آوارگان داخلی ساکن در کمپ‌ها که از پیش به علت ازدحام بیش از حد در معرض خطر شدید ابتلا به کووید-۱۹ بودند، از محدودیت‌های رفت و آمد تصویب شده به منظور جلوگیری از شیوع کووید-۱۹، ضربه سخت و مضاعفی خوردند. این محدودیت‌ها دسترسی آن‌ها به فرصت‌های شغلی خارج از کمپ‌ها را محدود کرد و همین‌طور امکان کمک‌رسانی توسط فعالان بشردوستانه را به شدت کاهش داد.

شدت‌گیری حملات به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی در شمال غربی سوریه منجر به افزایش ۱ میلیون نفر جمعیت به اردوگاه‌های پیشاپیش بیش از حد شلوغ آوارگان در نزدیکی مرز ترکیه گشت. در عراق، مقامات حداقل ۱۰ اردوگاه آوارگان را بستند و این چنین ده‌ها هزار نفر را به آوارگی مجدد محکوم ساختند. افراد مشکوک به ارتباط با گروه مسلح موسوم به «داعش» در خطر بازداشت بی‌ضابطه و ناپدیدسازی قهری قرار داشتند.

اردن، لبنان و ترکیه همچنان بخش اعظم از ۵ میلیون پناهنده را که از زمان آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ از سوریه گریخته‌اند بر عهده گرفتند، امری که نشان‌گر شکست جامعه بین‌المللی در ایفای نقش و پذیرش بار این مسئولیت است. در اردن، پناهندگان سوری از جمله گروه‌هایی بودند که بیش از دیگران از وضعیت قرنطینه و محدودیت‌های مرتبط با کووید-۱۹ آسیب خوردند چرا که این افراد اغلب به نحو غیررسمی استخدام شده یا فاقد قراردادهای مکتوب، امنیت اجتماعی و بیمه سلامت یا اجازه کار معتبر هستند.

در لیبی، مشکلات و رنج‌های پناهندگان، پناهجویان و مهاجران با تأثیرات اقتصادی کووید-۱۹، بسته شدن مرزها و محدودیت‌های عبور و مرور شدت هرچه بیشتری یافت. عاملان دولتی و غیردولتی این افراد را مورد بازداشت‌های بی‌ضابطه، آدم‌ربایی، قتل، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی، و کار اجباری قرار دادند. هزاران نفر از این افراد به دنبال توقف قایق‌هایشان توسط گارد ساحلی لیبی که تحت حمایت اتحادیه اروپاست، مورد ناپدیدسازی قهری قرار گرفتند، در حالیکه حداقل ۶۰۰۰ تن دیگر بدون طی روند قانونی از لیبی شرقی اخراج گشتند.

مقامات به دستگیری و بازداشت مهاجران بدون مدرک ادامه دادند، امری که اغلب از دلایل قانونی عاری بود. مقامات الجزایری از ارائه مجراهای اعتراض قانونی به مهاجران بازداشت شده، گاه برای ماه‌ها، امتناع نمودند و بیش از ۱۷۰۰۰ تن از آنان را اخراج کردند. در تونس، گروهی متشکل از ۲۲ مهاجر در پرونده شکایت خود علیه بازداشت‌شان در مرکز

اوآردیا پیروز شدند و در نتیجه وزارت کشور با آزاد کردن تدریجی آنان موافقت کرد.

دولت‌های میزبان باید روند بازگرداندن اجباری مستقیم یا غیرمستقیم پناهندگان و پناهجویان به سوریه و سایر کشورهایی که در آنجا با خطرات جدی روبه‌رو هستند را متوقف کنند، و کشورهای غربی و سایر کشورها باید سهم بیشتری از مسئولیت‌های خود را در این زمینه از جمله از طریق برنامه «اسکان مجدد» تقبل نمایند.

۱.۹ حقوق کارگران

تأثیرات اقتصادی بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ منجر به بیکاری گسترده در سطح منطقه شد. در مصر، ده‌ها هزار نفر از کارکنان بخش خصوصی اخراج شدند، یا ناچار شدند حقوق کمتری بپذیرند، بدون وسایل محافظتی به کار ادامه دهند یا مرخصی‌های بدون حقوق و نامحدود بگیرند. کارگران و اعضای اتحادیه‌های کارگری اغلب به خاطر استفاده‌شان از حق اعتصاب با بازداشت مواجه شدند. در اردن، یک اختلاف سابقه‌دار میان دولت و اتحادیه معلمان با تصمیم دولت برای مسدود کردن حقوق بخش دولتی تا پایان سال ۲۰۲۰ به بهانه کووید-۱۹ شدت یافت، اتفاقی که با اعتراضات جدید در ماه اگوست مواجه شد. پلیس اردن به ۱۳ شعبه اتحادیه یورش برد، ده‌ها نفر از اعضای اتحادیه و اعضای هیئت مدیره را دستگیر کرد و دادگاهی حکم به انحلال اتحادیه داد.

شیوع بیماری همه‌گیر، منجر به افزایش وخامت وضعیت پیشاپیش آسیب‌پذیر کارگران مهاجر شد که در کشورهای بحرین، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی استخدامشان تحت اداره سیستم «کفالت» قرار داشت. کارگران مهاجر که از حفاظت کافی در برابر سواستفاده‌های کارفرماها و آژانس‌های استخدامی برخوردار نبودند، با اخراج خودسرانه و حقوق پرداخت نشده مواجه شدند و همچنین در اثر کار در شرایط غیربهداشتی و ازدحام بیش از حد کمپ‌ها و پناهگاه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر ابتلا به کووید-۱۹ قرار گرفتند. این افراد به ندرت به حمایت‌های اجتماعی یا مشاغل جایگزین دسترسی داشتند چرا که کمک‌های نقدی و منحصر به فرد اضطراری از سوی دولت‌ها به اتباع کشورها محدود می‌شد؛ برای نمونه در اردن تنها کارگران روزانه‌ای که اردنی بودند واجد شرایط دریافت این کمک‌ها تلقی شدند. هزاران کارگر مهاجر با از دست دادن مشاغل خود اجازه اقامت خود را نیز از دست دادند و در نتیجه در معرض خطر دستگیری، بازداشت و اخراج از کشور قرار گرفتند. آن عده از این افراد که مایل به ترک کشور بودند نیز در اثر محدودیت‌های سفر وضع شده در رابطه با کووید-۱۹ نتوانستند چنین کنند. برخی دولت‌ها شامل کوویت و عربستان سعودی، اجازه اقامت را تمدید کرده یا تخلفات مربوط به اجازه اقامت را عفو کردند که به این افراد اجازه داد کشور را در صورت نداشتن بدهی یا پرونده‌های باز قضایی ترک کنند.

اصلاحاتی به منظور افزایش حمایت از کارگران مهاجر در چندین کشور منطقه، بخصوص در کشورهای حوزه خلیج فارس که بیشتر جمعیت نیروی کارش را کارگران مهاجر تشکیل می‌دهند اعلام شد. در عمان و قطر، مقامات قوانینی تصویب کردند که به کارگران مهاجر اجازه می‌دهد شغل خود را بدون نیاز به اجازه صاحب کار تغییر دهند. در کویت، مقامات حداقل سه پرونده مربوط به آزار فیزیکی کارگران خانگی مهاجر توسط صاحب کارانشان و همچنین پرونده‌هایی در مورد قاچاق انسان و تبادل ویزای غیرقانونی را تحت پیگرد قانونی قرار دادند.

دولت‌ها موظفند اطمینان حاصل نمایند که حقوق کارگران اجرا شده و آن‌ها از حق اعتصاب برخوردار باشند. دولت‌ها همچنین باید قوانین حمایتی کار را به کارگران مهاجر، از جمله کارگران خانگی مهاجر نیز بسط دهند و سیستم «کفالت» را از میان بردارند.

۱.۱۰ حقوق زنان و کودکان دختر

در کشورهای منطقه از جمله در الجزایر، عراق، اردن، مراکش و تونس، سازمان‌های حقوق زنان، خطوط تماس یاری‌رسان یا سرپناه‌های مخصوص خشونت‌دیدگان از افزایش درخواست کمک به دلیل خشونت خانگی و درخواست پناهگاه اضطراری در دوره‌های قرنطینه خبر دادند. قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» در اردن، ایران، عراق، کویت و فلسطین ادامه داشت، در حالی که مقامات در اقدام به محاکمه و مجازات عاملان این قتل‌ها قصور کردند. در لیبی، عاملان دولتی و غیر دولتی، زنان و دختران را مورد آزار جنسی، ارباب در فضای مجازی، آدم ربایی و قتل قرار دادند، به طور نمونه در پرونده حنان البراسی، وکیلی در بنغازی. در ایران، پلیس «امنیت اخلاقی» قوانین تبعیض‌آمیز حجاب اجباری را با آزار و اذیت و حملات خشونت‌آمیز هرروزه به زنان و کودکان دختر اعمال کرد.

زنان همچنان با تبعیض گسترده و ریشه‌دار در قانون مواجه بودند، از جمله در رابطه با قوانین ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، ارث و علاوه بر این، در ایران و عربستان سعودی، در حوزه قوانین مربوط به استخدام و دسترسی مناصب سیاسی. تعلیق روند دادگاه‌ها طی دوره‌های قرنطینه سراسری تاثیر شدیدی بر دسترسی زنان به راه‌های دادخواهی و جبران خسارت داشت، از جمله در زمینه‌ی محاکمه موارد خشونت علیه زنان در مراکش یا درخواست‌های اضطراری مربوط به پرونده‌های حضانت فرزند یا نفقه در تونس و سایر کشورها. در مصر، یک کارزار آنلاین تحت هدایت فمینیست‌های جوان منجر به دستگیری چندین مرد متهم به تجاوز شد که به یک محاکمه منتهی گشت، با این حال مقامات دست به دستگیری بازماندگان و شاهدانی که در این پرونده‌ها شهادت داده بودند نیز زدند. حداقل نه زن اینفلوئنسر در شبکه‌های اجتماعی در مصر به اتهام «تخلف از اصول خانوادگی» به خاطر ویدئوهای TikTok تحت محاکمه کیفری قرار گرفتند.

در گامی مثبت، مجلس کویت طرحی را برای جرم‌انگاری خشونت خانگی تصویب کرد، طرحی که حمایت‌های بیشتر و همچنین خدمات پزشکی و قانونی برای قربانیان خشونت خانگی در نظر می‌گیرد.

مقامات علاوه بر توجه به تبعیض سابقه‌دار علیه زنان در قالب قانون و نیز در عمل، باید علنا هرگونه خشونت علیه زنان را علنا محکوم نمایند. مقامات باید تصویب سیاست‌هایی را در اولویت قرار دهند که زنان و کودکان دختر قربانی خشونت را از عدالت و اقدامات جبرانی موثر برخوردار می‌سازد و عاملان خشونت به آن‌ها را پاسخگو می‌کند.

۱.۱۱ حقوق افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس‌جندر و بیناجنسی

افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس‌جندر و بیناجنسی در سراسر منطقه با آزار و اذیت، دستگیری و محاکمه‌های کیفری به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض‌شان روبرو بودند. در برخی کشورها، معاینات مقعدی اجباری که معادل شکنجه است به منظور حصول مدرک رفتار جنسی همجنس‌گرایانه در مورد مردان همجنس‌گرا اعمال شد. دادگاه‌های کیفری همچنان روابط جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس را جرم تلقی کرده و اغلب مردان و گاهی زنان را طبق اصل «عفت عمومی» یا سایر قوانین مربوط به این مساله محکوم کردند. پلیس الجزایر ۴۴ نفر (زن و مرد) را به خاطر شرکت در جشنی که به عنوان یک «ازدواج همجنس‌گرایانه» توصیف شد دستگیر کردند و دادگاهی متعاقباً میزبانان را به سه سال و تمامی مهمانان را به یک سال حبس در زندان به جرم «تبلیغ همجنس‌گرایی» و «فساد» تحت بند ۳۳۸ قانون جزا و نیز بخاطر رعایت نکردن مقررات قرنطینه محکوم ساخت. دادگاه‌های تونس حداقل ۱۵ مرد و یک زن را تحت بند ۲۳۰ قانون جزا که «لواط» را جرم‌انگاری می‌کند، محکوم

کردند. در لیبی، نیروهای الردا به بازداشت مردان به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی مفروض‌شان ادامه داده و آنان را تحت شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار دادند.

دولت‌ها باید تمامی افرادی را که به خاطر گرایش جنسی واقعی یا مفروض‌شان بازداشت شده‌اند آزاد نمایند و هرگونه اتهام علیه افراد تحت پیگرد قرار گرفته را لغو کنند. مقامات قانون‌گذار باید مواد قانونی را که روابط جنسی رضایتمندانه میان دو همجنس را جرم‌انگاری کرده‌اند، لغو کنند، معاینات مقعدی را متوقف سازند و قوانینی به منظور ممنوعیت اعمال تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی تصویب نمایند.

۲. ایران

مقامات به شدت حقوق آزادی بیان، تشکل‌ها و تجمعات را سرکوب کردند. نیروهای امنیتی با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه اعتراضات را سرکوب کردند. مقامات به بازداشت بی‌ضابطه صدها معترض، مخالف و دگراندیش و نیز مدافعان حقوق بشر ادامه دادند و بسیاری را به حبس و شلاق محکوم کردند. زنان و همچنین اقلیت‌های اتمیکی و مذهبی با تبعیض نهادینه شده و نیز خشونت روبه‌رو بودند. ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی به صورت گسترده و سازمان‌یافته و همراه با مصونیت مرتکبان از مجازات‌های بدنی معادل شکنجه، از جمله شلاق و قطع عضو، اعمال شد. حقوق دادرسی منصفانه به طور سازمان‌یافته نقض شد. مجازات‌های اعدام به عنوان سلاحی برای سرکوب سیاسی استفاده شد. برخی اعدام‌ها در ملاء عام و برخی دیگر مخفیانه صورت گرفتند. اعدام‌شدگان شامل افرادی می‌شدند که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند. مقامات با پنهان کردن نظام‌مند سرنوشت و محل دفن بقایای چندین هزار مخالف و دگراندیش سیاسی که در سال ۱۳۶۷ مورد ناپدیدسازی قهری قرار گرفته و به طور فراقضایی و مخفیانه اعدام شدند، به ارتکاب جنایات علیه بشریت ادامه دادند. روند تخریب گورهای جمعی، که باور می‌رود حاوی بقایای قربانیان است، ادامه یافت.

۲.۱ پس‌زمینه

در ۸ ژانویه (۱۸ دی ۱۳۹۸)، در هنگامه تنش‌های شدت‌یافته پس از حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا به قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه پاسداران، در عراق که منجر به کشته شدن وی شد، سپاه پاسداران با موشک به سمت هواپیمای مسافربری اوکراین در فضای هوایی ایران شلیک کرده و موجب کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن شد. پس از مخفی‌کاری و سرپوش گذاشتن اولیه، مقامات ایران علت سرنوشتی هواپیما را «خطای انسانی» معرفی کردند.

ایران به پشتیبانی نظامی خود از نیروهای دولتی سوریه در منازعات مسلحانه در سوریه ادامه داد.

نظام پزشکی به دلیل بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ به شدت زیر فشار قرار گرفت؛ بنا بر گزارش‌های خبری، حداقل ۳۰۰ نفر از کارمندان بخش سلامت در اثر این بیماری جان خود را از دست دادند.

تحریم‌های اعمال شده توسط ایالات متحده همچنان بر اقتصاد ایران تأثیر منفی گذاشت و عواقب زیان‌آوری را در زمینه بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه داشت.

در ماه مارس (فروردین ۱۳۹۹)، شورای حقوق بشر سازمان ملل، ماموریت گزارش‌گر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تجدید کرد. مقامات به وی و سایر کارشناسان سازمان ملل یا ناظران مستقل حقوق بشر اجازه ورود به کشور را ندادند.

۲.۲ آزادی بیان، تشکلات و تجمعات

مقامات به شدت حقوق مرتبط با آزادی بیان، تشکلات و تجمعات را سرکوب کردند.

وزارت کشور و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی همچون سال‌های قبل فعالیت احزاب سیاسی مستقل و گروه‌های حقوق

بشری و جامعه مدنی را ممنوع کردند. سانسور رسانه‌ها و ایجاد اختلال در کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خارجی همچنان ادامه داشت. فیس بوک، تلگرام، توئیتر و یوتیوب مسدود ماندند.

صدها نفر همچنان به دلیل استفاده صلح‌آمیز از حقوق انسانی خود تحت بازداشت بی‌ضابطه باقی ماندند. در میان آن‌ها معترضان، روزنامه‌نگاران، فعالین رسانه‌ای، مخالفان سیاسی، هنرمندان، نویسندگان و مدافعان حقوق بشر، از جمله وکلا، مدافعان حقوق زنان، فعالان حقوق کارگران، فعالان حقوق اقلیت‌ها، محافظان محیط زیست، کنشگران مخالف مجازات اعدام و جویندگان حقیقت، عدالت و اقدامات جبرانی در خصوص اعدام‌های گسترده و فراقضایی در دهه ۶۰، وجود داشتند. صدها زندانی عقیدتی از عفو و آزادی موقت محروم شدند.

مخالفان سیاسی، مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد بدون هر گونه اتهام و محاکمه در حصر خانگی بی‌ضابطه باقی ماندند.

طی این سال، مقامات به نحو غیرقانونی حساب بانکی یا دارایی‌های بسیاری از خبرنگاران مشغول به همکاری با رسانه‌های مستقل خارج از ایران و نیز مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های آن‌ها را تعطیل و مسدود کردند. آن‌ها همچنین فرزندان، والدین مسن‌تر و سایر اعضای خانواده معترضان، خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر را در قبال فعالیت‌های خبرنگاری یا حقوق بشری بستگان‌شان یا شرکت آن‌ها در اعتراضات، مورد تهدید، بازجویی یا دستگیری و بازداشت بی‌ضابطه قرار دادند.

در ژانویه (دی ماه ۱۳۹۸)، نیروهای امنیتی با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه، از جمله شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای نوک‌تیز، گلوله‌های لاستیکی، گاز اشک آور و اسپری فلفل، تجمعات مسالمت‌آمیز افراد معترض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی و دادخواه را سرکوب کردند. آن‌ها همچنین معترضان را با لگد، مشت و وسایل مختلف مورد ضرب و شتم قرار دادند و ده‌ها نفر را به صورت بی‌ضابطه دستگیر کردند.^۱

مقامات در ژانویه و فوریه (دی و بهمن ۱۳۹۸)، به منظور سرکوب گزارش‌های مستقل در آستانه انتخابات مجلس، خبرنگاران را با دستگیری‌ها و بازداشت‌های بی‌ضابطه، بازرسی‌های خانگی و بازجویی‌ها هدف قرار دادند.

مقامات اقداماتی را برای جلوگیری از گزارش‌های مستقل درباره کووید-۱۹ و به‌منظور مسکوت نمودن انتقادات در مورد نحوه برخورد با این بیماری همه‌گیر صورت دادند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به رسانه‌ها و خبرنگاران دستور داد در گزارش‌های خود فقط از منابع و آمار رسمی استفاده کنند. پلیس سایبری برای مقابله با آنچه «شایعات سایبری» و «اخبار جعلی» مربوط به کووید-۱۹ در شبکه‌های اجتماعی نامید، یک کارگروه ویژه ایجاد کرد، و تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران، کاربران شبکه‌های اجتماعی، کارکنان حوزه بهداشت و دیگران دستگیر شدند، برای بازجویی احضار شدند یا به آنها اخطار داده شد. در ماه آوریل (فرودین ۱۳۹۹)، رحیم یوسف‌پور، پزشکی از سقز در استان کردستان، به دلیل پست‌های اینستاگرامی خود در مورد کووید-۱۹ به «تبلیغ علیه نظام» و «تشویش اذهان عمومی» متهم شد.

^۱ «نیروهای امنیتی با استفاده از ابزار غیرقانونی ده‌ها معترض را زخمی کرده‌اند» (بیانیه مطبوعاتی، ۲۵ دی ۱۳۹۸)

۲.۳ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها

اعمال شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تزدیلی، به‌ویژه در دوران تحقیقات و بازجویی، به نحو گسترده و سازمان‌یافته ادامه یافت.

نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی و مقامات زندان، بازداشت‌شدگان را مورد حبس انفرادی طولانی مدت، ضرب و جرح، شلاق، آویزان کردن، تجویز اجباری مواد شیمیایی، شوک الکتریکی و خشونت جنسی قرار دادند.^۲ مسئولان زندان و مقامات دادستانی همچنین عمداً زندانیان عقیدتی و سایر زندانیانی را که با انگیزه‌های سیاسی حبس شده‌اند، از مراقبت‌های پزشکی مناسب محروم کردند.^۳

مجازات‌های بدنی معادل با شکنجه، شامل شلاق، کورسازی، قطع عضو، تصلیب و سنگسار در قانون مجازات اسلامی باقی ماند.

بنا بر گزارش بنیاد عبدالرحمن برومند، حداقل ۱۶۰ نفر به شلاق محکوم شدند. سرقت، ضرب و جرح و نیز فعالیت‌های تحت حمایت قوانین بین‌المللی حقوق بشر مانند شرکت در تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز، روابط جنسی رضایت‌مندانه خارج از ازدواج، روابط رضایت‌مندانه همجنسگرایانه، و شرکت در جشن‌های مختلط مشمول مجازات شلاق شدند. در موارد بسیاری، احکام شلاق به اجرا گذاشته شدند.

فقط در یک زندان در ارومیه در استان آذربایجان غربی، حداقل شش نفر در خطر قطع عضو قرار داشتند.

چندین زندانی مرد در شرایط مشکوک جان خود را از دست دادند، و شواهد تصویری و ویدئویی دریافتی نشان می‌دادند حداقل دو تن از آنها پیش از مرگشان شکنجه شده بوده‌اند. یکی از این دو نفر که در آپریل (فروردین ۱۳۹۹) درگذشت در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشت.

۲.۴ حق سلامت زندانیان

شرایط در بسیاری از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها همچنان بیرحمانه و غیرانسانی باقی ماند. زندانیان از ازدحام جمعیت، دسترسی محدود به آب گرم، شرایط آلوده و غیرسالم، غذا و آب آشامیدنی ناکافی، تختخواب و سرویس‌های بهداشتی ناکافی، تهویه نامناسب و آلودگی محیط به حشرات رنج بردند، و این شرایط آن‌ها را بیشتر در معرض خطر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ قرار داد.

در فاصله فوریه و می (اسفند ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹)، مقامات در پاسخ به بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ موقتاً ۱۲۸۰۰۰ زندانی را آزاد و ۱۰ هزار نفر دیگر را عفو کردند. نامه‌های رسمی درز شده در ماه جولای (مرداد ۱۳۹۹) نشان داد که وزارت بهداشت درخواست‌های مکرر سازمان زندان‌ها برای امکانات بیشتر، از جمله محصولات ضد عفونی‌کننده و تجهیزات پزشکی و محافظتی را نادیده گرفته است. برخی از زندانیان از استفاده نادرست مقامات از وایتکس

^۲ ویرانگران انسانیت: دسترسی‌های گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸ در ایران (شناسه: MDE 13/2891/2020)

^۳ «زندانیان شکنجه‌شده به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند» (شناسه: MDE 13/2237/202)

برای ضد عفونی کردن سطوح که منجر به وخامت کیفیت هوا و در نتیجه سرفه‌های شدید، گرفتگی قفسه سینه و حملات آسم شده بود، شکایت داشتند.

در مارس و آپریل (اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹)، زندانیان در سراسر کشور دست با توسل به اعتصاب غذا، تجمع و شورش به قصور مقامات در محافظت از آنان در برابر کووید-۱۹ اعتراض کردند. مقامات برای سرکوب این اعتراضات به استفاده غیرقانونی از قوای قهریه از جمله ضرب و جرح و شلیک گلوله‌های جنگی، گلوله‌های ساچمه‌ای و گاز اشک آور متوسل شدند. در نتیجه، در تاریخ ۳۱ مارس (۱۲ فروردین ۱۳۹۹) در زندان شیبان در اهواز در استان خوزستان، چندین زندانی عرب اهوازی کشته و بسیاری دیگر زخمی شدند.

۲.۵ ناپدیدسازی‌های قهری

مقامات بسیاری از بازداشت‌شدگان، از جمله زندانیان عقیدتی، را با نگر داشتن آن‌ها در مکان‌های نامعلوم و مخفی کردن سرنوشت و محل نگهداری آن‌ها از خانواده‌هایشان، تحت ناپدیدسازی قهری قرار دادند.

مقامات همچنین الگوی اعدام مخفیانه زندانیان در صف اعدام متعلق به اقلیت‌های اثنیکی و پنهان نگه داشتن محل اجساد آن‌ها را ادامه دادند و بدین ترتیب علیه خانواده‌های آن‌ها نیز مرتکب جرم مستمر ناپدیدسازی قهری شدند.

حداقل سه زندانی عرب اهوازی تا پایان سال در وضعیت ناپدیدسازی قهری باقی ماندند.

مقامات به جنایت علیه بشریت از طریق ارتکاب جرم ناپدیدسازی قهری ادامه دادند به این صورت که همچنان به نحو سازمان‌یافته سرنوشت و محل دفن چندین هزار مخالف و دگراندیش سیاسی را که در سال ۱۳۶۷ به نحو قهری ناپدید و به صورت فراقضایی و مخفیانه اعدام شدند، پنهان کردند و گورهای دسته‌جمعی بی‌نام و نشان آن‌ها را که باور می‌رود حاوی بقایای ایشان باشد، تخریب کردند.

نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، خانواده‌های قربانیان را تهدید کردند که در صورت جستجوی اطلاعات درباره عزیزان‌شان، برگزاری مراسم بزرگداشت یا اعتراض علنی، بازداشت خواهند شد.

۲.۶ محاکمه‌های غیر منصفانه

حقوق دادرسی منصفانه به طور سازمان‌یافته در دستگاه قضایی نقض شدند.

مقامات همچنان به صورت سازمان‌یافته افراد متهم به اتهامات مربوط به امنیت ملی را از دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات/بازجویی محروم کردند. در برخی موارد، این محرومیت حتی در مرحله محاکمه نیز ادامه داشت. برخی از موکلان به صورت غیرحضور محاکمه شدند چرا که مقامات یا تاریخ جلسه دادگاه را به آن‌ها اطلاع ندادند و یا آن‌ها را از زندان به دادگاه منتقل نکردند.

بسیاری از جلسات محاکمه پشت درهای بسته انجام شد. قضات دادگاه انقلاب در حین فرایند دادرسی با خصومت با متهمان برخورد کردند و اتهامات از سوی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی را به مثابه واقعیت‌های مسلم پذیرفتند.

«اعترافات» اجباری به دست آمده زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها پیش از وقوع دادرسی از صدا و سیمای جمهوری

اسلامی پخش شدند و مستمرا برای صدور رای محکومیت به عنوان ادله اثبات مورد استناد قرار گرفتند، حتی در مواردی که متهمان «اعترافاتشان» را در دادگاه پس گرفته بودند.

احکام محکومیت و مجازات اغلب در دادگاه تجدید نظر تایید شدند بدون این که جلسه حضوری برگزار شود.

دادگاه‌ها اغلب از ارائه نسخه‌ای از دادنامه به افراد محکوم به اتهامات مرتبط با امنیت ملی خودداری کردند.

۲.۷ تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران

زنان همچنان با تبعیض‌های نهادینه شده در قانون، از جمله در رابطه با ازدواج، طلاق، اشتغال، ارث و مناصب سیاسی مواجه بودند.

پلیس «امنیت اخلاقی» و افراد موسوم به «آمران به معروف و ناهیان از منکر» که قوانین تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز حجاب را در کشور اجرا می‌کنند، همچنان میلیون‌ها زن و کودک دختر را تحت آزار و اذیت و حملات خشونت‌آمیز معادل با شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی قرار دادند. چندین مدافع حقوق زنان به دلیل فعالیت علیه حجاب اجباری در زندان باقی ماندند.

مقامات در اتخاذ اقدامات برای جرم‌انگاری خشونت خانگی، تجاوز در بستر زناشویی، ازدواج‌های زودهنگام و اجباری و سایر خشونت‌های مبتنی بر جنسیت علیه زنان و کودکان دختر قصور کردند در حالی که این خشونت‌ها همچنان به طور گسترده‌ای رواج داشتند.

سن قانونی ازدواج دختران همچنان ۱۳ سالگی باقی ماند و پدران و پدربزرگ‌ها همچنان می‌توانستند اجازه ازدواج دختران در سنین پایین‌تر را نیز از دادگاه بگیرند. طبق آمار رسمی، هر ساله حدود ۳۰ هزار کودک دختر زیر سن ۱۴ سال ازدواج می‌کنند.

مقامات در برداشتن گام‌های مناسب در جهت پایان بخشیدن به مصونیت از مجازات برای مردانی که همسران یا دختران خود را به قتل می‌رسانند و نیز در جهت حصول اطمینان از پاسخگویی متناسب با شدت این جنایات، مرتکب قصور شدند.

در ماه ژوئن (خرداد ۱۳۹۹)، شورای نگهبان قانونی را برای حمایت و حفاظت از کودکان تصویب کرد، اما این قانون هیچ حمایتی در برابر قتل‌های به اصطلاح «ناموسی»، ازدواج کودکان و تجاوز در بستر زناشویی عرضه نمی‌کند.

مقامات به بررسی یک لایحه قدیمی با موضوع محافظت از زنان در برابر خشونت ادامه دادند. دلیل این تأخیر تغییراتی عنوان شد که قوه قضائیه هنگام بررسی خود از این لایحه صورت داده بود، تغییراتی که منجر به تضعیف شدید حمایت‌های مندرج در لایحه شدند.

۲.۸ تبعیض علیه اقلیت‌های اتمیکی

اقلیت‌های اتمیکی شامل عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها با تبعیض نهادینه مواجه بودند که دسترسی آنان به آموزش، اشتغال، مسکن مناسب و مناصب سیاسی را محدود می‌کرد. سرمایه‌گذاری کم و

نامتناسب در مناطق اقلیت‌نشین، فقر و حاشیه‌نشینی را تشدید کرد. علی‌رغم فراخوان‌های مکرر برای تنوع زبانی، زبان فارسی تنها زبان آموزش در دوره ابتدایی و متوسطه باقی ماند.

افراد متعلق به گروه‌های اقلیت که علیه نقض حقوق‌شان اعتراض کردند و یا خواستار درجه‌ای از خودگردانی منطقه‌ای شدند، مورد بازداشت بی‌ضابطه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفتند.

مقامات، حمایت مسالمت‌آمیز از ایده جدایی‌طلبی یا فدرالیسم را جرم دانستند.

فعالان حقوق اقلیت‌ها مرتباً به تهدید تمامیت ارضی ایران متهم شدند.

چندین نفر از فعالان ترک آذربایجانی در رابطه با تظاهرات آبان ۱۳۹۸ و فعالیت مسالمت‌آمیز در حمایت از مردمان ترک آذربایجانی در ایران به زندان و شلاق محکوم شدند و احکام شلاق دو نفر به اجرا گذاشته شد.

عرب‌های اهوازی گزارش کردند که مقامات آزادی بیان فرهنگی از جمله پوشش لباس عربی و برگزاری مراسم شعر به زبان عربی را محدود کردند.

مرزبانان ایران به شلیک غیرقانونی به کولبران کرد، که در شرایط بیرحمانه و غیرانسانی به عنوان بابران میان‌مرزی بین مناطق کرد ایران و عراق کار می‌کنند، ادامه دادند و بر اساس گزارشات سازمان‌های حقوق بشری کرد، حداقل ۴۰ مرد را کشته و ده‌ها تن دیگر را زخمی کردند.

بسیاری از روستان‌نشینان بلوچ در استان محروم و فقیر سیستان و بلوچستان به خاطر زیرساخت‌های به شدت ضعیف از حق خود برای دسترسی به آب سالم، در دسترس و کافی محروم ماندند. در نتیجه آن‌ها ناچار شدند برای استفاده‌های آشامیدنی و خانگی خود به منابع غیرمطمئن و ناامن آب نظیر رودخانه‌ها، چاه‌ها، برکه‌ها و چاله‌های آب که برخی محل تجمع کروکودیل‌ها هستند رجوع کنند. چندین کودک حین برداشت آب غرق شدند، از جمله یک دختر هشت ساله از روستان جکیگور که منابع آبی آن در ماه آگوست (مرداد ۱۳۹۹) به طول یک هفته قطع شده بود. برخی مقامات محلی قربانیان را به خاطر «عدم رعایت نکات ایمنی و احتیاطی» سرزنش کردند. به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری در این استان، سیاری از ساکنان همچنین شاهد دسترسی ضعیف به برق، مدرسه و مراکز درمانی بودند.

۲.۹ آزادی عقیده و مذهب

آزادی عقیده و مذهب به طور سازمان‌یافته در قانون و در عمل نقض شد. مقامات همچنان قوانین و مقررات رفتاری ریشه‌دار در تفسیری سخت‌گیرانه از اسلام شیعی را به مردم از هر دین و مذهب و نیز ناخداپاوران تحمیل کردند. مقامات از به رسمیت شناختن حق فرزندان والدین مسلمان برای پذیرش آیین‌های دیگر یا روی آوردن به خداناباوری امتناع ورزیدند، به صورتی که افرادی که خواهان استفاده از این حق بودند، در خطر بازداشت بی‌ضابطه، شکنجه و مجازات اعدام به اتهام «ارتداد» قرار داشتند.

تنها مسلمانان شیعه اجازه و امکان دستیابی به مناصب سیاسی کلیدی را داشتند. اعضای اقلیت‌های مذهبی، از جمله بهایی‌ها، مسیحی‌ها، دراویش گنابادی، یارسان (اهل حق) و افرادی که از اسلام شیعی به اسلام سنی یا مسیحیت گرویده بودند به خاطر عمل به ایمان و باور خود با تبعیض، از جمله در حوزه‌های آموزشی و استخدامی روبرو بودند و

همچنین مورد دستگیری‌ها و حبس‌های بی‌ضابطه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفتند.

در ماه اکتبر (مهر ۱۳۹۹)، یک مرد مسیحی در استان بوشهر به خاطر نوشیدن شراب عشای ربانی مورد ۸۰ ضربه شلاق قرار گرفت.

پیروان مکتب معنوی عرفان حلقه به نحو بی‌ضابطه بازداشت شدند.

مقامات همچنان حقوق بشر اعضای اقلیت بهائی را به صورت گسترده و سازمان‌یافته نقض کردند از جمله از طریق تعطیلی اجباری کسب و کار، مصادره اموال، ممنوعیت اشتغال در بخش دولتی، محرومیت اعضای اقلیت بهائی از دسترسی به آموزش عالی و سازمان‌دهی گفتارهای نفرت‌پراکنانه علیه آن‌ها در رسانه‌های حکومتی.

حمله به کلیساهای خانگی همچنان ادامه داشت. مسلمانان سنی همچنان در امر تأسیس مساجد مخصوص به خود با محدودیت روبرو بودند.

۲.۱۰ اعدام

مجازات اعدام به نحو فزاینده‌ای به عنوان سلاخی برای سرکوب سیاسی معترضان، مخالفان و اعضای گروه‌های اقلیت مورد استفاده قرار گرفت.^۴

ده‌ها معترض به جرایم منجر به مجازات اعدام نظیر «محاربه» و «افساد فی‌الأرض» متهم شدند. چندین تن از معترضان در پی دادگاه‌های غیرمنصفانه‌ی متکی بر «اعترافات» حاصل از شکنجه به اعدام محکوم شدند.

در ماه دسامبر (آذر ۱۳۹۹)، روح‌الله زم، مخالف سیاسی و خبرنگار در ارتباط با کانال خبری خود در شبکه‌های اجتماعی با نام آمد نیوز، اعدام شد.

اعدام‌ها در پی دادگاه‌های غیرمنصفانه اجرا شدند. برخی از قربانیان در ملاء عام و برخی مخفیانه اعدام شدند. اعدام‌شدگان شامل افرادی می‌شدند که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

تعداد قابل توجهی از اعدام‌شدگان از اعضای اقلیت کرد ایران بودند.

مجازات اعدام همچنان برای رابطه رضایتمندانه با همجنس برقرار بود.

سنگسار به‌عنوان شیوه‌ای برای اعدام افراد محکوم به «زنای محصنه» باقی ماند.

۲.۱۱ مصونیت مسئولان نقض حقوق بشر از مجازات

هیچ مقام رسمی مورد بازپرسی در قبال جرائم قتل، شکنجه، ناپدیدسازی قهری یا سایر موارد نقض حقوق بشری قرار

^۴ اعدام دو کرد همزمان با افزایش استفاده از اعدام به عنوان سلاخی برای سرکوب سیاسی (بیانیه مطبوعاتی، ۲۵ تیر ۱۳۹۹)

نگرفت و پاسخگو نگاه داشته نشد.

مقامات قضایی از انجام تحقیقات شفاف و مستقل درباره استفاده از قوای قهریه کشنده توسط مأموران انتظامی و امنیتی علیه افرادی که هیچگونه تهدید قریب‌الوقوعی برای جان یا سلامت دیگران نداشتند، سر باز زدند.

مسئولان جنایات علیه بشریت پیشین و در جریان مربوط به کشتار تابستان ۱۳۶۷ همچنان از پیگیری و مجازات مصون ماندند، تا آن جا که بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این جنایات همچنان مناصب عالی قضایی و دولتی، از جمله ریاست قوه قضاییه و وزارت دادگستری، را بر عهده دارند.

در ماه می (اردیبهشت)، مرزبانان ایران ده‌ها تن از اتباع افغانستان، شامل کودکان را که به دنبال کار با عبور از مرز به زمین‌های حاکمیتی ایران ورود کرده بودند از مرز بیرون کردند، آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار داده و با تهدید به کارگیری از اسلحه به رودخانه حریرود که در مرز با افغانستان قرار دارد راندند. بسیاری در نتیجه این حرکت غرق شدند. مقامات هیچ‌گونه مسؤولیتی در این زمینه نپذیرفتند.

مقامات به کتمان تعداد واقعی کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ادامه دادند و از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به خاطر ایفای نقش در این سرکوب علنا تجلیل کردند. در ماه می (اردیبهشت ۱۳۹۹)، مقامات برای نخستین بار اعلام کردند که حدود ۲۳۰ نفر طی اعتراضات کشته شدند و شش تن از آن‌ها اعضای نیروهای امنیتی بودند. عفو بین‌الملل جزئیات مرتبط با قتل حداقل ۳۱۱ مرد، زن و کودک طی این اعتراضات توسط نیروهای امنیتی را مستند کرد، اما این سازمان معتقد است که تعداد واقعی کشته‌شدگان بیشتر از این است.^۵

^۵ «مشخصات ۳۰۴ جان‌باخته در جریان سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸» (شناسه: MDE 13/2308/20)

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی
برای احقاق حقوق بشر است.
بی عدالتی در حق یک نفر
مسأله همه ماست.**

عفو بین الملل

info@amnesty.org



www.facebook.com/AmnestyGlobal



+44 (0)20 7413 5500



@Amnesty



گزارش سالانه حقوق بشر؛ ایران و خاورمیانه و شمال آفریقا

سال میلادی ۲۰۲۰

گزارش پیش رو ترجمه فارسی بخش مرور اجمالی وضعیت حقوق بشر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و بخش ایران در گزارش جهانی سال ۲۰۲۰ سازمان عفو بین‌الملل است. گزارش جهانی نمایی از وضعیت حقوق بشر در ۱۴۹ کشور جهان ارائه می‌دهد و بر مبنای موضوعات مختلف حقوق بشری دسته‌بندی شده است.

در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، دولت‌ها در پاسخ به بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ وضعیت اضطراری اعلام کرده یا قوانینی برای اعمال محدودیت‌های نابه‌جا بر آزادی بیان تصویب نمودند. افراد به دلیل انتقاد از واکنش حکومت‌ها به این بیماری همه‌گیر تحت آزار و اذیت و پیگرد قانونی قرار گرفتند. نحوه پاسخ دولت‌های منطقه به این بیماری همه‌گیر، از جمله در امر توزیع واکسن، تبعیض آمیز بود. ازدحام بیش از حد و شرایط غیربهداشتی موجب شد زندانیان در این منطقه به طور ویژه در خطر ابتلا به کووید-۱۹ قرار بگیرند، وضعیتی که به دلیل مراقبت‌های بهداشتی ناکافی و شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در این زندان‌ها شدت یافت.

مدافعان حقوق بشر در منطقه، علی‌رغم رویارویی با خطر بالای زندان، محاکمه کیفری، ممنوعیت سفر یا سایر انواع انتقام‌جویی، به فعالیت‌های خود ادامه دادند. نیروهای امنیتی از قوای قهریه کشنده یا کمترکشنده استفاده کردند که منجر به کشته یا زخمی شدن صدها تن از مردم شد؛ نیروهای امنیتی برای اعمال‌شان در این زمینه پاسخگو نشده و از مصونیت از مجازات برخوردار ماندند.

طرفین درگیری‌های مسلحانه مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد جدی نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه شدند. سایر قدرت‌های نظامی از طریق انتقال غیرقانونی اسلحه و پشتیبانی مستقیم نظامی از نظامیان به وقوع تخلفات و جرائم دامن زدند.

خشونت خانگی، به ویژه در دوره‌های قرنطینه سراسری در کشورها افزایش یافت. قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» ادامه داشتند و قاتلان از مجازات مصون ماندند.

مقامات حقوق افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس‌جندر و بیناجنسی را به شدت سرکوب کردند، آنها را به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض‌شان دستگیر نمودند و برخی از مردان را تحت معاینات مقعدی اجباری قرار دادند.